

## نتایج کار شش ماهه (1)

کارگران سن پترزبورگ با ایجاد یک نشریه روزانه کارگران، کار عظیمی انجام داده اند، کاری که بدون اغراق می توان آنرا تاریخی خواند. جنبش دمکراتیک کارگران دوباره در شرایطی به طرز باور نکردنی دشوار مجتمع شده و خود را استحکام بخشیده است. البته ممکن نیست که از ثبات مطبوعات دمکراتیک کارگری در کشور خود صحبت کنیم. هر کس به خوبی از تعقیبی که این نشریات طبقه کارگر در معرض آنند آگاه می باشد.

بخاطر همه اینها، تأسیس پراودا (2) دلیل قابل توجه آگاهی سیاسی، انرژی و وحدت کارگران روسیه است.

نگاه کردن به گذشته و توجه به نتایج کار شش ماهه کارگران روسیه برای ایجاد نشریه خودشان سودمند است. از ژانویه امسال تمایلی که محافل طبقه کارگر سن پترزبورگ به نشریات خود نشان داده اند کاملاً آشکار شده است و مقالاتی درباره روزنامه کارگری در روزنامه های مختلفی که با جهان کار ارتباط پیدا می کنند پدیدار شده اند.

### 1

خوشبختانه درباره اینکه چه کسانی یک نشریه روزانه طبقه کارگر در روسیه را به وجود آوردند و چگونگی ایجاد آن اطلاعات به شکل نسبتاً کاملی در دسترس است. که عبارت است از اطلاعاتی درباره جمع آوری کمک مالی برای یک نشریه روزانه کارگران.

اجازه بدهید با کمک های مالی شروع کنیم که پراودا حیاتش را با آنها آغاز کرد. ما حساب های زوزدا، نوسکایا زوزدا (3) و پراودا را از 1 ژانویه تا 30 ژوئن یا دقیقاً برای دوره 6 ماه در اختیار داریم. افکار عمومی دقت مطلق این حساب ها را تضمین می کند، اشتباهات تصادفی با تذکر به طرف مربوط، به سرعت اصلاح می شوند.

آنچه که برای ما بزرگترین اهمیت را دارد، جمع کل کمک های مالی نیست بلکه ترکیب کمک دهندگان است. برای مثال هنگامی که نوسکایا زوزدا شماره 3 جمع کل اعانات داده شده به نشریه روزانه کارگران را 4388 روبل و 84 کوپک ارائه داد (که از ژانویه تا 5 مه به استثناء هدایای روز 22 آوریل یعنی روزی که پراودا بار اول به وجود آمد، مستقیماً به روزنامه رسید)، ما در ابتدا می خواستیم بپرسیم: نقشی که کارگران و گروههای کارگران خود در گردآوری این مبلغ داشتند چه بود؟ آیا این از هدایای عظیم هواداران تشکیل می شود؟ یا اینکه خود کارگران در این مورد شخصاً و فعالانه به نشریه طبقه کارگر علاقه نشان دادند و مبلغ قابل توجهی را از کمک های تعداد زیادی از گروههای کارگران به وجود آورده اند؟

از نقطه نظر ابتکار و انرژی خود کارگران بسیار مهم تر است که 100 روبل از 30 گروه کارگران جمع شود تا 1000 روبل از چند دوجین از «هواداران». نشریاتی که بر پایه سکه های پنج کوپکی که از محافل کارگری کوچک کارخانه ها جمع شده اند ایجاد شده باشد چیز بسیار قابل اعتمادتر و محکم تر و جدی تری است (هم از نظر مالی و مهم تر از همه از نقطه نظر پیشرفت جنبش دمکراتیک کارگران) تا نشریه ای که با دهها و صدها روبل اهدائی روشنفکران هوادار ایجاد شده باشد.

برای به دست آوردن اطلاعات دقیقی درباره این موضوع بسیار مهم و اساسی، ما اعمال زیر را در رابطه با اعداد جمع آوری کمک هایی که در این سه نشریه مذکور چاپ شده اند، انجام داده ایم، ما تنها کمک هایی را که اظهار می شود توسط گروه های کارگران کارخانه ای یا اداری داده شده اند انتخاب کرده ایم.

چیزی که ما در حال حاضر به آن علاقمندیم عبارتست از اعاناتی که توسط خود کارگران داده شده اند و نه توسط افراد مجزا که ممکن است بطور تصادفی به یک جمع آوری کننده پول برخورد کنند، بدون اینکه از نظر ایدئولوژیک یعنی از نظر دیدگاهها و اعتقادات به او پیوسته باشند؛ منظور ما گروه های کارگران است که بدون شک قبل از اهدای پول درباره اینکه آنرا به چه کسی و برای چه مقصودی می دهند بحث کرده اند.

هر گزارش زوزدا نوسکایا، زوزدا یا پراودا که حاکی از آن موضوع بود که پولهای اعانه شده به روزنامه کارگران از یک گروه از کارگران کارخانه و یا اداری می آید، ما فرض کردیم که یک اعانه گروهی از خود کارگران است.

چه تعداد از این اعانات گروهی کارگران در نیمه اول 1912 وجود داشت؟  
پانصد و چهار اعانه گروهی!

بیش از پانصد بار گروه های کارگران برای ایجاد و نگهداری روزنامه خودشان اعانه دادند، یا هر چه که در یک روز به دست آورده بودند هدیه کردند یا تنها یکبار کمک دادند و یا به دفعات اعانه دادند. گذشته از کارگران و هواداران منفرد 504 گروه کارگران فعال ترین نقش را در ایجاد روزنامه شان بازی کردند. این رقم نشانه تردید ناپذیری است از اینکه یک تمایل عمیق و آگاهانه به یک روزنامه کارگران در بین توده کارگران به وجود آمده است - و نه به هر روزنامه کارگران بلکه یک روزنامه دمکراتیک کارگران. از آنجا که توده ها از نظر سیاسی بسیار فعال و آگاه هستند هیچ مشکل یا مانعی نمی تواند ما را بترساند. مشکلات یا موانعی وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد که آگاهی سیاسی، فعالیت و علاقه توده کارگران به این یا آن طریق در غلبه بر آنها ناتوان باشد.

این 504 اعانه گروهی بر حسب ماه به طریق زیر توزیع می شود:

ژانویه 1912	14
فوریه 1912	18
مارس 1912	76
آوریل 1912	227
مه 1912	135
ژوئن 1912	34
-----	
جمع شش ماه	504

این جدول کوچک در ضمن اهمیت عظیم آوریل و مه را به عنوان یک دوره تغییر رادیکال، روشن می کند. از تاریکی به روشنائی، از انفعال به فعال بودن، از حرکت افراد تا حرکت توده ها.

در ژانویه و فوریه اعانات گروهی کارگران هنوز بسیار بی اهمیت بودند. به وضوح فعالیت آنها تنها در حال آغاز شدن بود. مارس شاهد یک خیزش قابل توجه و اساسی بود. هفتاد و شش اعانه

گروهی توسط کارگران در عرض یک ماه - جملگی اینها حاکی از یک جنبش جدی در بین کارگران است، یک کوشش سخت توسط توده ها که راه خودشان را به هر قیمت به پیش ببرند و از کمک کردن نهراسند. این از اعتقاد عمیق کارگران به نیروی خودشان و به این اقدام بطور کل، به مشی روزنامه مورد نظر و غیره حکایت می کند. در مارس هنوز روزنامه کارگرانی وجود نداشت یعنی اینکه گروههای کارگران پول جمع می کردند و آنرا به عنوان اعتبار به زوزدا می دادند.

آوریل جهش عظیمی به وجود آورد که موضوع را قطعی کرد. دویست و بیست و هفت اعانه گروهی کارگران در یک ماه با حد متوسط بیش از هفت اعانه در روز! سد شکسته شد و در ایجاد یک نشریه روزانه کارگران اطمینان حاصل گردید. هر اعانه گروهی نه تنها به معنی مجموعی از سکه های پنج کوپکی و ده کوپکی، بلکه چیزی بسیار مهم تر می باشد و مجموعه ای از انرژی مرکب و مجتمع، اراده گروهها برای پشتیبانی از یک روزنامه کارگری، برای انتشار و هدایت آن و برای اینکه با شرکت خود به آن حیات بخشند می باشد.

سؤالی که ممکن است پیش آید: که آیا اعانات آوریل بعد از بیست و دوم یعنی بعد از درآمدن پراودا بیشترین مقدار نبودند؟ نه نبودند. قبل از 22 آوریل زوزدا 188 اعانه گروهی را گزارش داد. بین 22 و آخر آوریل پراودا 39 اعانه گروهی را گزارش کرد. یعنی اینکه در فاصله 21 آوریل قبل از ظهور پراودا حد متوسطی در حدود نه اعانه در روز وجود داشت. در حالیکه نه روز آخر آوریل تنها 4 اعانه در روز توسط گروهها به خود دیدند. دو نتیجه مهم از اینجا به دست می آید:

اولا کارگران قبل از ظهور پراودا به ویژه فعال بودند. با دادن پول «به عنوان اعتبار» کارگران اعتماد خود را به زوزدا نشان داده و تصمیم خود را در پیش بردن راه خود بیان نمودند.

ثانیا دیده می شود که این کوشش آوریل کارگران بود که روزنامه کارگران، پراودا را به وجود آورد. در اینجا هیچ شکی در مورد نزدیک ترین رابطه بین اعتلای عمومی جنبش طبقه کارگر (نه به مفهوم محدود صنفی اتحادیه ای، بلکه در مقیاسی مؤثر بر تمام مردم) و ایجاد نشریه روزانه دمکراتهای کارگری سن پترزبورگ نمی تواند وجود داشته باشد. ما به چیزی بیش از نشریات اتحادیه ای احتیاج داریم، ما به یک روزنامه سیاسی از خودمان احتیاج داریم - این چیزی است که توده ها هر چه بیشتر و بیشتر در آوریل درک کردند. چیزی که ما احتیاج داریم تنها هر نوع نشریه سیاسی کارگری نیست، بلکه نشریه پیشروترین دمکراتهای کارگری است، ما به یک نشریه نه تنها برای پیشبرد مبارزه طبقه کارگران بلکه همچنین برای ایجاد یک نمونه و یک چراغ راهنما برای تمام مردم نیازمندیم.

در مه اعتلاء هنوز بسیار مشخص بود. اعانات گروهی در حد متوسطی بیش از چهار اعانه در روز بودند. از یکسو این نشانه اعتلاء عمومی در آوریل - مه بود و از سوی دیگر توده کارگران دریافت که اگر چه انتشار نشریه روزانه شروع شده است، موفقیت آن بخصوص در ابتدا دشوار خواهد بود و بخصوص حمایت گروهی ضروری است.

در ژوئن تعداد اعانات گروهی از تعداد مارس پائین تر آمد. البته این حقیقت باید در نظر گرفته شود که بعد از اینکه نشریه روزانه کارگری شروع به درآمدن کرد، شکل دیگری از کمک به نشریه به وجود آمد و اهمیت تعیین کننده ای یافت، یعنی اشتراک آن و توزیع آن بین کارگران همکار، آشنایان، همشهریان و غیره. دوستان از نظر سیاسی آگاه پراودا خود را به اشتراک نشریه محدود نمی کنند بلکه آنرا پخش می کنند و آنرا به عنوان یک نمونه برای دیگران می فرستند یا آنرا در دیگر کارخانه ها، آپارتمانها و یا خانه های مجاور و یا در محله و غیره می

شناسانند. متأسفانه ما هیچ راهی برای به دست آوردن آمار صحیح این نوع کمک گروهی نداریم.

## 2

بسیار آموزنده خواهد بود اگر ببینیم این 504 اعانه گروههای کارگران چگونه بین شهرها و مناطق کارخانه ای توزیع می شوند. در کدام قسمت‌های روسیه و با چه حد آمادگی کارگران به درخواست کمک برای ایجاد یک نشریه روزانه کارگری پاسخ می دهند؟ خوشبختانه اطلاعات درباره این موضوع در دسترس است چرا که تمام اعانات گروهی کارگران توسط زوزدا، نوسکی زوزدا و پراودا گزارش شده اند. در جمع بندی این اطلاعات، ماقبل از هر چیز باید به سن پترزبورگ اشاره کنیم که طبیعتاً در قضیه ایجاد یک نشریه کارگران نقش رهبری را بازی کرده است، سپس چهارده شهر و منطقه کارخانه ای که بیش از یک گروه اعانه فرستادند و در آخر تمام شهرهای دیگر، در کل سی و پنج شهر که تنها یک اعانه گروهی در شش ماه فرستادند. این جدولی است که ما به دست آوردیم:

### جمع اعانات گروهی

412

سن پترزبورگ

57

14 شهر هر کدام با 2 تا 12 اعانه گروهی

35

35 شهر هر کدام با 1 اعانه گروهی

504

جمع 50 شهر

این نشان می دهد که تقریباً تمام روسیه، به این یا آن اندازه، نقش فعالی در ایجاد یک روزنامه کارگری بازی کرده است. با ملاحظه مشکلاتی که گردش نشریه دمکراتیک کارگری در استانها با آنها روبرو است، این حیرت انگیز است که تعداد عظیمی از شهرها در طی شش ماه به درخواست کارگران سن پترزبورگ پاسخ دادند.

92 اعانه گروهی کارگران در 49 شهر روسیه<sup>1</sup> علاوه بر پایتخت، حداقل برای ابتدا رقم بسیار قابل توجهی است. در اینجا هیچ مسئله ای در مورد ارائه دهندگان تصادفی، لاقید و منفعل، نمی تواند در میان باشد، اینها بدون شک نمایندگان توده های پرولتری هستند، مردمی که با پشتیبانی آگاهانه از جنبش دمکراتیک، هر چند متفرق، کارگران در سراسر روسیه متحد شده اند.

1- این لیست کاملی از شهرها و مناطق می باشد:

حومه سن پترزبورگ: کرونشات، کولپینو و سترورتسک

جنوب: خارکف 4 اعانه گروهی، یکاترینوسلاو 8، آنانیف 2، لوگانسک 3، خرسون، رستوف روی دن، پاولوگراد، پولاتاوا، کیف 12، آستراخان 4، چرنیگوف، یوزوفکا 3، میناکوفو، معدن شچربا، معدن ریکوف، بلگروود، یلی ساوتگراد، بکاترنیودار، ماریوپول 2، نیژن دنپروسک و نخجوان

شمال: آرچانگل 5، ولوگدا

ناحیه مسکو: رونیکی 2، ریزان، تولا 2، پژتسک 2

اورال: پرم، کیشتیم، مینیار و ارنبورگ

غرب: دوینسک، ویلنا گومل، ریگا، لپایا و مولگراین

قفقاز: باکو 2، گروزنی و تفلیس

منطقه ولگا: سوروو و روستای بالاکوفو

فنلاند: هلسینگفورس

سیبری: تیومن و بلاگووش چسنگ

مشاهده می کنیم که کیف با 12 اعانه گروهی در رأس شهرهای ایالتی است سپس یکاترینوسلاو با 8 اعانه قرار دارد، در حالیکه مسکو با 6 اعانه فقط در مرتبه چهارم است. این عقب ماندگی مسکو و تمام ناحیه آن، در اطلاعات خلاصه زیر درباره تمام سرزمینهای روسیه، با وضوح بیشتری به چشم می خورد:

تعداد اعانه های گروهی کارگران برای یک نشریه روزانه کارگری طی 6 ماه – ژانویه تا ژوئن 1912

415	سن پترزبورگ
51	جنوب
13	مسکو و ناحیه اش
12	شمال و غرب
6	ناحیه اورال و ولگا
7	قفقاز، سبیری و فنلاند
-----	
504	جمع کل روسیه

این اطلاعات می تواند به ترتیب زیر تفسیر شود:

در مورد فعالیت مجدد دمکراتهای کارگری در روسیه، سن پترزبورگ پرولتاری مدتی است بیدار شده و در مقام عالی خود قرار دارد. جنوب بیدار می شود. هر چند مادر مسکو و بقیه روسیه هنوز در خوابند. اما زمانی است که آنها نیز باید بیدار شوند.

عقب ماندگی تمام ناحیه مسکو هنگامی آشکار می شود که این ناحیه با دیگر نواحی ایالتی مقایسه گردد. جنوب دورتر از سن پترزبورگ است و بسیار دورتر از مسکو، کارگران صنعتی کمتری از ناحیه مسکو دارد، معهداً با تعداد تقریباً چهار برابر اعانه های گروهی کارگران از مسکو جلو می روند.

به نظر می رسد مسکو حتی از منطقه اورال و ولگا نیز عقب مانده است. چرا که تعداد کارگران در مسکو و ناحیه آن نه دو برابر تعداد آنها در منطقه اورال و ولگا بلکه چندین بار بیشتر است، در حالیکه مسکو و ناحیه اش تنها 13 اعانه گروهی در مقابل 6 اعانه منطقه اورال و ولگا دادند.

احتمالاً دو دلیل ویژه برای عقب ماندگی مسکو و ناحیه اش وجود دارد. اولاً، صنعت غالب در اینجا صنعت نساجی است، که در آن وضعیت اقتصادی، یعنی شرایط بازار و شرایط برای افزایش کمابیش قابل توجه تولید بدتر از فلزکاری شده است. به همین دلیل است که کارگران نساجی کمتر در اعتصابات شرکت کردند و علاقه کمتری به سیاست و جنبش دمکراتیک کارگران نشان دادند. ثانیاً در ناحیه مسکو، کارخانه های بیشتری در مناطق دور دست پراکنده اند، و از اینرو کمتر از شهر بزرگ به نشریه دسترسی دارند.

در هر صورت ما باید بدون شک از اطلاعات ارائه شده در بالا درس بیاموزیم. بیشترین توجه باید به توزیع روزنامه کارگری در مسکو بشود. ما نمی توانیم با عقب ماندگی مسکو کنار بیائیم. هر کارگر از نظر سیاسی آگاه تشخیص می دهد که سن پترزبورگ بدون مسکو همانند یک دست بدون دست دیگر است.

قسمت عمده کارگران کارخانه ای روسیه در مسکو و ناحیه اش متمرکز شده اند. به عنوان مثال مطابق آمار حکومت در 1905، 567000 کارگر کارخانه ای در اینجا وجود داشت. یعنی بیش از یک سوم جمع کل روسیه (1660000) و بسیار بیشتر از ناحیه سن پترزبورگ (298000). بنابراین ناحیه مسکو باید رتبه اول را از نظر تعداد خوانندگان و دوستان یک روزنامه کارگران، از نظر تعداد نمایندگان از نظر سیاسی آگاه جنبش دمکراتیک کارگران احراز کند. البته مسکو باید نشریه روزانه کارگری خود را داشته باشد. در ضمن سن پترزبورگ باید به مسکو کمک کند. هر صبح خوانندگان پراودا باید به خود و دوستانشان بگویند: «کارگران، مسکوئی ها را به خاطر داشته باشید!».

### 3

اطلاعات بالا باید توجه ما را به نقطه نظر دیگری که بمثابه وظیفه عملی ما بسیار مهم و فوری است جلب کند. هر کس تشخیص می دهد که روزنامه سیاسی یکی از شرایط اساسی شرکت هر طبقه در امور سیاسی کشور و خصوصاً در یک مبارزه انتخاباتی در جامعه مدرن است. بنابراین یک نشریه کلا برای کارگران و خصوصاً برای پیشبرد انتخابات در دومای چهارم ضروری است. کارگران به خوبی می دانند که نه از دومای سوم و نه از دومای چهارم هیچ چیز عاید آنها نخواهد شد. اما ما باید در انتخابات شرکت کنیم. اولاً برای متشکل کردن و از نظر سیاسی آگاه کردن توده کارگران در طی انتخابات یعنی هنگامی که مبارزات حزب و تمام زندگی سیاسی به جوش آمده و هنگامی که توده ها به این یا آن طریق سیاست را خواهند آموخت و ثانیاً برای فرستادن نمایندگان کارگری به دوما، حتی در ارتجاعی ترین دوما، در یک دومای کاملاً زمیندارانه، نمایندگان کارگری کار بزرگی برای آرمان طبقه کارگر انجام داده اند و می توانند انجام دهند. به شرط اینکه آنها دمکراتهای کارگری واقعی باشند و به شرط اینکه در ارتباط با توده ها باشند و به توده ها بیاموزند که آنها را هدایت کرده و فعالیت آنان را کنترل کنند.

در نیمه اول 1912 تمام احزاب سیاسی روسیه آنچه را که به عنوان بسیج پیش از انتخابات نیروهای حزب شناخته می شود آغاز کرده و واقعاً تکمیل کرده بودند. بسیج یک اصطلاح نظامی است. این به معنی قرار دادن ارتش در وضعیتی است که آماده عمل باشد. همانگونه که وقتی ارتش قبل از یک جنگ در حالت آمادگی قرار می گیرد، ذخیره ها احضار شده و مهمات توزیع می شوند، قبل از انتخابات نیز تمام احزاب کار خود را جمع بندی کرده، تصمیمات خود را درباره نقطه نظرات و شعارهای حزب دوباره تأکید کرده، نیروهای خود را جمع می کنند و آماده می شوند که با دیگر احزاب بجنگند.

تکرار می کنیم این کار واقعاً تکمیل شده است. تنها چند هفته به انتخابات مانده است. در طی این مدت ما می توانیم و باید انرژی خود را صرف افزایش نفوذ خود در رأی دهندگان و توده ها کنیم اما اگر یک حزب (حزب هر طبقه ای) در طی شش ماه آماده نشده باشد، دیگر هیچ چیز نمی تواند او را کمک کند. چرا که در انتخابات بمثابه یک صفر خواهد بود.

به همین دلیل است که شش ماهی که آمارهای ما آنرا شامل می شود، شش ماه بسیج کننده نیروهای کارگران قبل از انتخابات دومای چهارم می باشد. این مدت شش ماهه زمان بسیج تمام نیروهای دمکرات کارگری بوده است – البته نه فقط در رابطه با انتخابات دوما، اما ما در حال حاضر توجه خود را به این مسئله مصروف می داریم.

در این مورد یک سؤال پیش می آید که اخیراً توسط نوسکی زوزدا شماره 16 و پراودا شماره 61 مطرح شده و آن مربوط است به اصطلاح انحلال طلبان که از ژانویه 1912 نشریه ژوییه دئیلو و نوسکی گولوس را در سن پترزبورگ منتشر می کنند. انحلال طلبان که نشریه مجزای خودشان را دارند می گویند که اگر قرار است بین دمکراتهای کارگری در انتخابات «وحدت» وجود داشته باشد باید «موافقت» آنها یعنی انحلال طلبان جلب شود، و گر نه آنها می کوشند که ما را با چشم انداز «کاندیدای مجزا» بترسانند. (4)

به نظر می رسد که این تلاشها تا به حال در هراساندن موفقیت بسیار ناچیزی کسب کرده باشد. و این کاملاً قابل فهم است. چگونه می توان مردمی را که به درستی اسم انحلال طلب و مدافع یک سیاست لیبرالی کارگری را کسب کرده اند جدی گرفت؟

معهدا، شاید کارگران بسیاری باشند که از اشتباهات و نقطه نظرات غیر سوسیال دمکراتیک این گروه روشنفکران پیروی کنند؟ اگر چنین است آیا ما نباید توجه ویژه ای به این کارگران بکنیم؟ اکنون، اطلاعات عینی، آشکار و دقیقی برای پاسخ به این سؤال داریم. همانگونه که می دانیم، در سرتاسر نیمه اول 1912 انحلال طلبان شور مخصوصی در حمله به پراودا، نوسکی زوزدا، زوزدا و بطور کلی تمام دشمنان انحلال طلبی نشان دادند.

انحلال طلبان در بین کارگران تا چه اندازه موفق بودند؟ ما می توانیم درباره این موضوع از روی اعانات کارگران به یک نشریه روزانه کارگری که در روزنامه های انحلال طلبان ژوییه دئیلو و نوسکی گولوس منتشر شد، قضاوت کنیم. انحلال طلبان ضرورت یک روزنامه روزانه را از مدتها پیش تشخیص می دادند - در 1911 یا شاید حتی 1910 - و از این ایده با بیشترین انرژی بین هوادارانشان حمایت می کردند. در فوریه 1912 ژوییه دئیلو که اول بار در 20 ژانویه منتشر شد، شروع به درج گزارشاتی درباره اعاناتی که برای این موضوع دریافت کرده بودند نمود.

اجازه بدهید که از میان این اعانات (که در نیمه اول 1912 جمعاً بالغ بر 139.27 روبل می شد) همانگونه که در مورد نشریات غیر انحلال طلب عمل کردیم، اعانات گروهی کارگران را برگزینیم. اجازه بدهید تمام شانزده شماره ژوییه دئیلو و پنج شماره نوسکی گولوس (شماره 6 آن در جولای بیرون آمد) را جمع بندی کنیم و حتی اعانات برای خود ژوییه دئیلو را نیز بیافزائیم (اگر چه ما اطلاعاتی درباره اینگونه اعانات به نشریات غیر انحلال طلب را در نظر نگرفتیم). ما اطلاعات زیر را درباره جمع کل اعانات گروهی کارگران در طی شش ماه به دست می آوریم.

(تعداد اعانات گروهی کارگران برای یک نشریه روزانه کارگران در طی نیمه اول 1912)

نشریات غیرانحلال طلب	نشریات انحلال طلب	
14	0	ژانویه
18	0	فوریه
76	7	مارس
227	8	آوریل
135	0	مه
34	0	ژوئن
-----		
504	15	جمع

و بنابراین گروه روشنفکران انحلال طلب، موفق شده به ضرب تلاش دیوانه وار کلا حمایت 15 گروه کارگران را کسب کند!

آیا کسی می توانست شکست مفتضحانه تری را برای انحلال طلبان از ژانویه 1912 تاکنون تصور کند؟ آیا کسی می توانست دلیل قاطع تری برای این حقیقت تصور کند که ما با گروهی از روشنفکران انحلال طلب که توانائی انتشار یک مجله و نشریه نیمه لیبرالی، منتهی کلا فاقد هر گونه پشتیبانی جدی در میان توده های پرولتاریا را دارند روبرو هستیم؟ اینجا به علاوه، اطلاعاتی درباره توزیع منطقه ای کمکهای مالی فرستاده شده برای انحلال طلبان توسط گروههای کارگران موجود است:

(تعداد اعانات گروهی کارگران برای نشریه روزانه کارگران در طی نیمه اول 1912)

نشریات غیرانحلال طلب	نشریات انحلال طلب	
415	10	سن پترزبورگ و حومه
51	1	جنوب
13	2	مسکو و ناحیه اش
12	1	شمال و غرب
6	0	منطقه اورال و ولگا
7	1	قفقاز، سبیری و فنلاند
-----		
504	15	جمع

و بنابراین شکست انحلال طلبان در جنوب طی دوره 6 ماهه حتی از شکست آنها در سن پترزبورگ نیز بدتر است.

این آمارهای دقیق کارگری که علناً در طی 6 ماه در نشریات جریانات مخالف چاپ شد مشخصاً مسئله «انحلال طلبی» را مرتفع می کند. ممکن است به مخالفان انحلال طلبی دشنام داده شود و هر چقدر که دلشان می خواهد به آنان تهمت بزنند اما این اطلاعات دقیق درباره اعانات گروهی کارگران غیرقابل انکار است.

اکنون کاملاً قابل درک است که چرا نه نوسکی زوزدا و نه پراودا تهدید انحلال طلبان را در مورد «کاندیداهای مجزا» جدی نگرفتند. این مسخره خواهد بود اگر تهدیدات اشخاصی که در طی شش ماه مبارزه آشکار معلوم شد که به چیزی اندکی بیش از صفر بالغ می شوند جدی گرفته شود. تمام مدافعان انحلال طلبی در ژوییه دنیلو و نوسکی گولوس متحد شده اند و همه آنها شش ماه طول کشید تا 15 گروه از کارگران را جذب کنند!

انحلال طلبی در جنبش طبقه کارگر هیچ است و تنها در بین روشنفکران لیبرال قوی است.

اطلاعاتی که در پراودا درباره همه انواع اعانات کارگران موجود است بطور کلی بسیار جالب می باشند. آنها برای اولین بار به ما اطلاعات صحیحی درباره متفاوت ترین جنبه های جنبش

طبقه کارگر و زندگی دمکراتهای کارگری می دهند. امیدواریم بیش از یکبار به تحلیل این اطلاعات بپردازیم.

به هر حال در حال حاضر قبل از اینکه مرور خود را بر اعانات گروهی کارگران برای یک نشریه روزانه به پایان برسانیم، باید به یک نتیجه عملی اشاره کنیم.

گروههای کارگران 504 اعانه گروهی برای نشریات خودشان به زوزدا و پراودا اهداء کردند. کارگران مطلقاً هیچ هدف دیگری بجز ایجاد و نگهداری نشریه کارگری خودشان نداشتند. دقیقاً به این دلیل است که یک خلاصه صحیح و ساده از این اطلاعات برای شش ماه با ارزش ترین تصویر را از زندگی دمکراتهای کارگری در روسیه به دست می دهد. سکه های پنج و ده کوپکی جمع شده از «یک گروه کارگران از فلان کارخانه» این را نیز امکان پذیر ساخته که از احساسات کارگران، آگاهی طبقاتی آنها، وحدت آنها و آمادگی آنها در پیشبرد آرمان طبقه کارگر ارزیابی به عمل آید.

به همین دلیل است که سنت جمع آوری کمک مالی گروهی کارگران که با اعتلاء آوریل و مه به وجود آمد باید به هر طریق ادامه یافته، پیش برده شود و توسعه یابد و به خودی خود واضح است که ذکر حسابهای این کمکها همانگونه که تا بحال در پراودا انتشار یافته نیز ضروری است.

این سنت اهمیت عظیمی دارد هم از نقطه نظر ثبات نشریه طبقه کارگر و هم از نظر منافع عمومی دمکراتهای کارگری.

نشریه طبقه کارگر باید گسترش یافته، تحکیم شود و این محتاج پول است. روزنامه کارگران در روسیه با تلاشی خستگی ناپذیر تنها در شرایطی که کارگران جمع آوری مجموعه های بزرگی را ترتیب می دهند می تواند به نحوی رضایت بخش سازمان یابد. یک نشریه کارگری در آمریکا وجود دارد (5) (Appeal to reason) که بیش از نیم میلیون مشترک دارد. ما می گوئیم کارگر روسی، طبق آن ضرب المثل معروف واقعاً کارگر بدبختی خواهد بود اگر امیدوار نباشد که می تواند از همکار آمریکائی اش جلو بزند و از او سبقت بگیرد.

به هر حال آنچه که بیش از هر چیزی اهمیت دارد جنبه مالی قضیه نیست بلکه چیز دیگری است. فرض کنیم صد کارگر در بخش های مختلف یک کارخانه هر یک با پرداخت روزانه یک کوپک به روزنامه کارگران کمک کنند. این بالغ بر دو روبل در ماه می شود. از طرف دیگر فرض کنید ده کارگر با حقوق خوب یکبار بطور تصادفی ده روبل جمع کنند.

آن دو روبل پیشین از این ده روبل آخر با ارزش ترند. این برای هر کارگری چنان آشکار است که احتیاج نیست بطور طولانی برایش توضیح داده شود.

باید این را به صورت سنت درآورد که هر کارگری در هر روز پرداخت حقوق یک کوپک به نشریه کارگران کمک کند. بگذارید اشتراک نشریه رواج یابد و بگذارید آنها که می توانند بیشتر اعانه بدهند این کار را بکنند، همچنان که در گذشته این کار را کرده اند. علاوه بر این وضع و رواج سنت «یک کوپک برای نشریه کارگران» بسیار اهمیت دارد.

اهمیت چنین کمکهایی بیش از همه بر اساس منظم بودن آنها در هر روز پرداخت، بدون وقفه بودن و تعداد هر چه بیشتر کارگرانی که در این کمکهای منظم شرکت می کنند می باشد. حسابها می توانند در یک شکل ساده منتشر شوند «این یا آن مقدار کوپک» که می تواند حاکی از این باشد که فلان تعداد کارگر در کارخانه ای به نشریه کارگری اعانه داده اند و اگر اعانات بیشتری وجود داشت می تواند به ترتیب زیر اظهار شود «به علاوه این یا آن تعداد کارگران، این یا آن مقدار اعانه دادند.»

اگر این سنت یک کوپک برای نشریه کارگران برقرار شود، کارگران روسیه به زودی قادر می شوند نشریات خود را به استاندارد خوب ارتقاء دهند. نشریات کارگران باید اطلاعات بیشتر و با ماهیت متفاوتی ارائه دهند، آنها باید ضمیمه یکشنبه و غیره داشته باشند، آنها باید خبرنگاران خود را در دوما، در کلیه شهرهای روسیه و در شهرهای بزرگ خارج داشته باشند. روزنامه کارگران باید بطور مداوم پیشرفت کند و بهبود یابد، که این بدون کمک حداکثر ممکن کارگران که منظمآ برای نشریه شان پول جمع آوری می کنند امکان پذیر نیست.

گزارشات ماهانه درباره کوپک کارگران به همه نشان خواهد داد که چگونه کارگران در سراسر روسیه بی تفاوتی و خواب آلودگی خود را از بین می برند، چگونه آنها به یک زندگی با فرهنگ و هوشیارانه چشم باز می کنند - نه به معنی رسمی و نه به معنی لیبرالی کلمه. این امکان پذیر خواهد بود که به روشنی ببینیم چگونه توجه به جنبش دمکراتیک کارگران رشد می کند و چگونه زمان آنکه مسکو و دیگر شهرهای بزرگ نشریات کارگری خود را داشته باشند نزدیک می شود.

ما بقدر کافی شاهد یکه تازی (6) Kopekia بورژوازی بوده ایم! این نشریه بی همه چیز و کاسبکارانه برای مدتی بیش از اندازه طولانی حکومت کرده است. در این شش ماهه کارگران سن پترزبورگ نشان دادند که جمع آوری کمکهای جمعی کارگران تا چه حد عظیمی می توانند موفقیت آمیز باشند. بگذارید نمونه آنان و ابتکار آنان بی فایده نباشد. باشد که سنت یک کوپک کارگران برای نشریه کارگران پیشرفت کند و تقویت شود!

امضاء : یک آمارگر

مطابق با نسخه روزنامه منتشر شد  
در 12 - 14 (25 - 27) ژوئیه 1912 نوشته شد  
در شماره های 78 ، 79 ، 80 و 81 پراودا 29 و 31 ژوئیه و 1 و 2 اوت 1912 منتشر شد  
مجموعه آثار لنین جلد 18

## توضیحات

- 1- مقاله « نتایج کار شش ماهه » در نیمه اول ژوئیه 1912 نوشته شد. مکاتبات لنین با پراودا درباره انتشار این مقاله باقی مانده است. لنین در یکی از نامه هایش به پراودا از ناشرین درخواست می کند که مقاله را در 4 بخش به عنوان مقالات جداگانه چاپ کنند و تنها با اصلاحاتی که به دلایل امنیتی به عمل می آید موافقت کرد. مقاله به شکلی که لنین پیشنهاد کرده بود منتشر شد.
- 2- پراودا نشریه علنی بلشویکی بود که از سال 1912 در سن پترزبورگ چاپ شد و به دفعات مجبور به تغییر نام شد. و در سال 1916 بسته شد و از مارس 1917 دوباره منتشر شد.
- 3- زوزدا نشریه علنی بلشویکی که از 1910 تا 1912 در سن پترزبورگ چاپ می شد.
- 4- لنین به تهدید انحلال طلبان منشویک در مورد معرفی کردن کاندیداهای خود در انتخابات دومای چهارم برای کوریای کارگری در مقابل کاندیداهای بلشویک اشاره می کند.
- 5- Appeal to reason (دعوت به عقل) - نشریه ای که توسط سوسیالیستهای آمریکائی منتشر می شد و در ژیرارد کانزاس در 1895 تأسیس شد. هیچ ارتباط رسمی با حزب

سوسیالیست آمریکا نداشت اما اندیشه های سوسیالیستی را ترویج می کرد و در بین کارگران بسیار مورد توجه بود. اوژن دبس از کسانی بود که برای آن مطلب می نوشت.  
6- Gazeta Kopekia گازتا کوپکا (روزنامه کوپکی) یک روزنامه بورژوایی از نوع مطبوعات زرد. از 1908 در سن پترزبورگ منتشر شد. در 1918 بسته شد.